

یادداشت انتقادی

## بیکاری کارمندان، کارگران و عدم پاسخگویی سیستم

روایتی از بیکاری ده‌ها میلیون نفر در آمریکای کرونزده

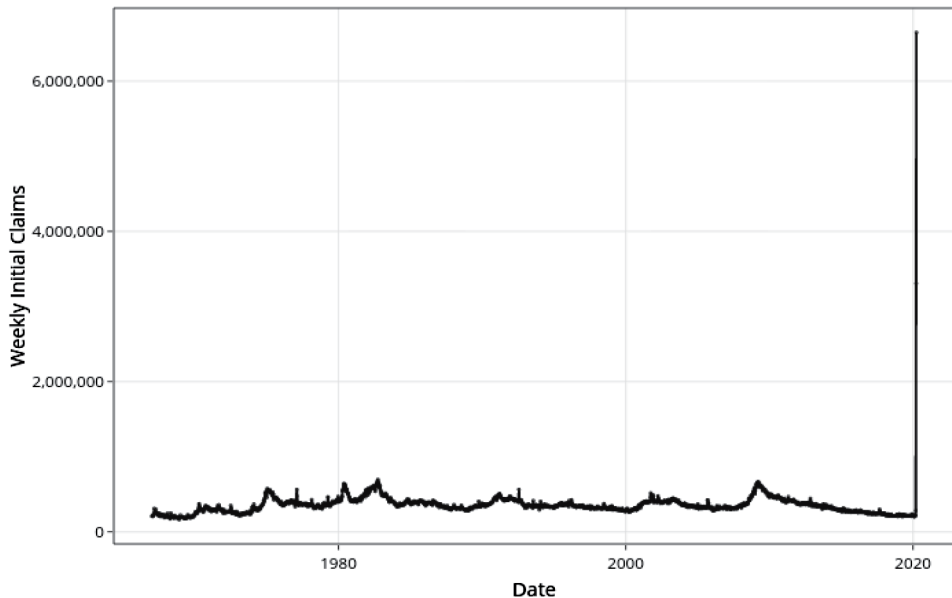
پائول هایدمن<sup>۱</sup>، نویسنده مجله ژاکوبین و دکتری مطالعات آمریکا، در این مطلب با عنوان «ده میلیون کارگر و کارمند آمریکایی شغل خود را از دست دادند و سیستم، هیچ پاسخی برای آن ندارد»<sup>۲</sup> که در ۶ آوریل ۲۰۲۰ در تارنمای مجله ژاکوبین منتشر شده است، به مسئله بیکاری گسترده کارگران و کارمندان در پی شیوع ویروس کرونا اشاره دارد و بر این باور است که ایالات متحده برخلاف اروپا، اصلاً آمادگی رویارویی با چالش پیش رو را ندارد؛ و تمامی ادعاهای مطرح شده در مورد نظام بهداشت و سلامت این کشور، چیزی جز لاف و گزاف و دروغی بیش نبوده است.

در دو هفته اخیر (هفته آخر مارس و ابتدای آوریل ۲۰۲۰)، تقریباً ۱۰ میلیون کارمند آمریکایی شغل خود را از دست دادند که این بحران، با سرعت و بزرگی بی سابقه‌ای در آمریکا یگانه تازی می‌کند و آنچه از کشور دارای به زیستی همگانی، یعنی آمریکا می‌بینیم، عدم آمادگی و تجهیز این کشور برای رسیدگی به این مشکل است. تعداد بیکاری‌هایی که وزارت کار در صبح روز پنجشنبه اعلام کرد، چیزی کم از یک فاجعه ندارد. در دو هفته اخیر، ده میلیون از کارکنان برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده‌اند. در طول تاریخ، هیچ نمونه قابل مقایسه‌ای با این تعداد از کارکنانی که شغل خود را با این سرعت از دست داده‌اند، وجود ندارد. رکورد قبلی درخواست دریافت بیمه بیکاری، به رکود سال ۱۹۸۲ برمی‌گردد که کمی کم‌تر از ۷۰۰ هزار کارمند و کارگر، تقاضای بیمه بیکاری کرده بودند. در هفته

آغازین - که مصادف با ۲۱ ماه مارس بود - ۳/۳ میلیون درخواست بیمه بیکاری ثبت شد و هفته گذشته، این رقم به ۶/۶ میلیون رسید. همچنین، اعداد و ارقام نشان‌دهنده آن است که این ویرانی، فقط به صنایعی که به طور مستقیم تحت تأثیر قرنطینه و تعطیلی‌ها قرار دارند، مانند مهمان‌داری‌ها و خرده‌فروشی‌ها محدود نیست. استخدام بخش‌های تولیدی نیز به شدت در حال کاهش بوده و شرایط در این بخش، شبیه دوران رکود اقتصادی بزرگ شده است. شغل‌های اداری (کارمندی) نیز تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند. مؤسسه‌های حقوقی، معاملات املاک و شرکت‌های فناوری نیز دوره‌های بیکاری قابل توجهی را گزارش کرده‌اند. در واقع، اثرات این مسئله نگران‌کننده خواهد بود؛ کارکنان درآمد خود را از دست خواهند داد و برخی نیز مجبور می‌شوند، میان غذا و

1. Paul Heideman  
2. 10 Million US Workers Have Lost Their Jobs. And the System Has No Answers.

## Initial Unemployment Claims By Week



که ایمانوئل سائز و گابریل زاکمن<sup>۲</sup>، اخیراً بیان داشته‌اند، این بحران در اروپا، شکل بیکاری‌های گسترده را به خود نگرفته است، بلکه دولت، به شرکت‌ها پول پرداخت می‌کند (یارانه می‌دهند) تا همچنان حقوق کارگزارانشان را بپردازند. چنین کاری، تضمین می‌دهد که نیروی کار آماده است تا به محض آن‌که شرایط ایمن شد، دوباره بر سر کار برگردد.

متأسفانه در میان کشورهای پیشرفته نظام سرمایه‌داری، آمریکا نمونه بارز یک کشور دارای به زیستی همگانی است که به طور منحصر به فردی نمی‌تواند در این بحران، به کارگران کمک کند. این دولت، مخالف

«اثر سوء دستمزد» نامیده و تخمین می‌زنند که برای دهه‌ها باقی خواهد ماند. درآمد و سطح زندگی یک کارگری که کنار گذاشته شده، حتی پس از یافتن یک شغل جدید، تقریباً ۲۰ درصد کمتر از درآمد و سطح زندگی کارگری خواهد بود که اخراج نشده است.

### چالشی بی‌سابقه

البته ممکن است، لزوماً مانند همین اتفاقات نیز رخ ندهد؛ هنگامی که در نتیجه این بیماری همه‌گیر، انقباض اقتصادی محتمل باشد، لزوماً ممکن است اخراج‌های گسترده و متعاقباً فقر را در پی نداشته باشد. همان‌طور

اجاره یکی را انتخاب کنند. به این دلیل که مخارج این خانوارها کم خواهد شد، پایه مشتری شرکت‌ها نیز کاهش خواهد یافت؛ اما برخی از تأثیرات مخرب بیکاری، خود را در بلندمدت نشان خواهند داد. بسیاری از تحقیقات دانشگاهی دریافته‌اند که بیکاری، عواقبی فراسوی از دست دادن درآمد - که تأثیر آنی است - دارند. کارگرانی که کنار گذاشته می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که یک شغل جایگزین نیمه‌وقت پیدا کنند و هنگامی که آن‌ها شغل جدیدی پیدا کنند، دستمزدشان کمتر از شغل قدیمی‌شان است یا اینکه حداقل به سرعت بالا نخواهد رفت و اقتصاددانان، این تأثیر را

1. Emmanuel Saez  
2. Gabriel Zucman

ابرقدرت‌ها) در تمام طول روز اشغال بوده و عملکرد اداره‌های بیمه‌گند است. امروز، سیستم بیمه بیکاری ما (آمریکا)، آن قدر مجهز نیست که بتواند به موقع پاداش و مزایایی را که دولت به عنوان شکل غالب حمایت مالی از مردم گرفتار در این گرداب اقتصادی تعیین کرده است، بپردازد.

### بی‌ثباتی سیاسی در انتظار آمریکا

سیستم بهداشت و سلامت ما، از قبل هم دچار اختلال و کژکاری بود؛ و اکنون که در مرز فروپاشی و نابودی قرار دارد و وقت عمل کردن است، مشخص شده آن همه لاف‌وگراف درباره کارآمدی سیستم بیمه خصوصی، دروغی بیش نبوده است. در حال حاضر، کارگران و کارمندان آمریکایی در لبه پرتگاه قرار دارند. رکود کنونی، همه چیز و همه‌کس را از رشد و پیشرفت بازداشته است و ما نباید بزرگی این رکود را کوچک بشماریم. این احتمال وجود دارد که آشکالی از بی‌ثباتی سیاسی به وجود آید و حتی موجب آن شود تا دهه جنبش‌های وال استریت، دونالد ترامپ و برنی سندرز را دهه آرام‌تری بدانیم.

افزایش چندانی نداشت. علی‌رغم آن‌که میلیون‌ها نفر در فقر مطلق دست و پا می‌زدند، اما به زیستی همگانی هیچ تکانی نخورد و بیشتر هم نشد. در برخی ایالات، فرمانداران، هزینه‌های به زیستی همگانی را کم کردند و در واقع، هرچقدر فقر افزایش پیدا می‌کرد، موارد فهرست به زیستی همگانی کمتر می‌شد. در حال حاضر، آمریکا بر برنامه بیمه بیکاری خود متکی است تا از اثرات بیکاری و از دست دادن شغل بکاهد. به موجب لایحه حمایتی اخیر، پاداش و مزایای بیمه بیکاری نیز برای بیشتر کارگران، به طرز چشمگیری افزایش یافت و این مسئله تا حدودی با کمک برنی سندرز محقق گشت که اجازه نداد مجلس سنا در این شرایط، کارگران با دستمزدها پایین را به حال خودشان رها کند و همچنین بسیاری از کارگران واجد شرایط، از این بیمه بهره‌مند شدند.

اگرچه این طرح در مدت چند هفته آینده، نیاز مالی کارگرانی را که از کار بیکار شده‌اند، برطرف خواهد کرد اما کافی نیست، زیرا مقیاس بالای ثبت بیکاری‌های جدید، اداره‌های کار را درمانده کرده است؛ آن‌ها ظرفیت و توانایی اجرایی پرداختن به این میزان بیکاری را ندارند. همه کارگران به وب‌سایت‌های اداره‌های کار دولتی هجوم آورده‌اند. تلفن قرمز (تلفن مستقیم میان سران

طرح‌هایی است که کشورهای اروپایی اتخاذ کرده‌اند. هیچ‌یک از زیرساخت‌های شرکتی‌اش نیز به کارگر و کارفرما، اجازه تعیین خط‌مشی اقتصادی نمی‌دهد؛ بنابراین، ظرفیت اجرایی کمی در اجرای راهکارهایی دارد که هم شرکت‌ها را حفظ نماید و هم به کارگران تضمین دهد که کاملاً فقیر و بیکار نخواهند شد. کشوری مانند آمریکا که دارای به زیستی همگانی است، اصلاً آمادگی رویارویی با چالش پیش‌رو را ندارد. بزرگ‌ترین برنامه ضد فقر این کشور، اعتبار مالیات بر درآمد است که مکمل درآمد کارگران ضعیف می‌شود. با این حال، این اعتبار مالیات بر درآمد، برای پاداش‌دهی به مشارکت نیروی کار تنظیم شده است؛ بنابراین، با دستمزدها مرتبط خواهد بود و برای افرادی که کنار گذاشته شده‌اند، بی‌فایده است. از زمان تصویب قانون اصلاح به زیستی همگانی در دوره کلینتون، در سال ۱۹۹۶، کمک نقدی مستقیم یا یارانه معیشتی، در عمل از بین رفته است. قبل از آن، حدود ۷۰ درصد از خانواده‌های فقیر صاحب فرزند، چنین کمک نقدی را دریافت می‌کردند اما امروز این رقم، به ۲۲ درصد کاهش یافته است. مسئله قابل توجه نیز این است که یک دهه قبل و در دوران رکود بزرگ اقتصادی، به زیستی همگانی

#### منبع

این مطلب در ۶ آوریل سال ۲۰۲۰ در تازمانی نشریه ژاکوبین منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:

<https://jacobinmag.com/2020/04/united-states-unemployment-layoffs-coronavirus-crisis>